

## پس و پیش بهمن ۵۷ در یک نگاه

جعفر پویه

آرامی  
مشغول

بود، به یکباره بار سفر می بندد و سر از نوفل لوشاتو در می آورد؟ او که در گذشته در پاسخ مراجعه کنندگان برای حمایت از یک قیام در ایران گفته بود که: "بدون کمک یک کشور خارجی بدست آوردن قدرت در ایران ممکن نیست" این قدرت خارجی که او در نظریاتش همیشه جایی برای آن قایل بود، کدام است و سیر مذاکرات با آنان از چه موقع و چگونه آغاز شد و بر سر چه مسایلی به توافق رسیدند که خمینی از مرکز سنتی فقه شیعه در عراق برای بدست گرفتن قدرت در ایران، جاکن می شود و به یک سفر سیاسی دست می زند؟ قبل از این ماجرا جنگ سرد و رقابت دو اردو در خاورمیانه و نقش سازمانهای زی مدخل در جریانات و تحولات سیاسی هنوز مغشوش است. زیرا باقی مانده رهبری حزب توده بعنوان کارگزار بخش شرقی، که یکسر این ماجرا را می تواند توضیح دهد همچنان به حمایت از ماترک خمینی مشغول است و اسناد و مدارک قابل اعتنایی از کاگ ب آن زمان و درگیری های اطلاعاتی و زد و بندهای پشت پرده آنان و توافقات و مخالفت هایشان منتشر نشده است. از جانب دیگر یکسر این ماجراها به لژهای فراماسونری وصل می شود و در این میان اختلاف لژهای انگلوساکسون با لژهای فرانسوی و در نهایت رقابت لژهای آمریکایی با بقیه در ایران، قابل انکار نیست. این سازمانهای مخوف طبق اطلاعاتی که در دست است، حداقل از انقلاب مشروطه تا کنون در مراکز تصمیم گیری نفوذ داشته و برای حفظ منافع جهانی خود در کلوپ های بزرگ سیاست سازی جهانی، دست به اقدامات مختلفی زده اند. انتشار کتاب فراماسونری در ایران به دلیل همین مخالفت ها و رقابت ها انجام شد و مرگ مشکوک نویسنده آن در چاپ خانه برای حذف بعضی از لیست های اسامی به همین دلیل بود. هرچند نقش اعضا رسمی و غیر رسمی این لژها و اعضا آن در اتفاقات قبل از بهمن ماه ۵۷ و بعد از آن در ایران قابل انکار نیست، اما معمومین و آیت اله های عضو تشکیلات ماسونی که هنوز از اعضا بلند مرتبه در تشکیلات سیاسی ایران هستند و بدون توجه به وابستگی آنان به این فرقه جهانی نمی توان

دوست ارجمند آقای علی ناظر با دعوتنامه ای مرا به اظهار نظر درباره نتایج فرزاندم فروردین سال ۵۸ فراخوانده است، عدم دسترسی به منابع و تنها رجوع به حافظه حاصلش چیزی است که پیش رو دارید، در این نوشته کم و کسری بسیاری می توان یافت و یا با نظرات طرح شده در آن مخالفت کرد. اما ورودیه ای است به این بحث و پاسخ به خواسته دوست نازنین ام، شما را هم دعوت می کنم تا با دامن زدن به این بحث به آن غنای لازم را ببخشید تا گامی در راه رسیدن به هدف برداشته باشیم.

به سرانجام رسیدن طرح جمهوری اسلامی در ایران، که در ۱۲ فروردین آنرا به رای همگانگی گذاشتند و تاییدیه مردم را هم همراه بند و بست ها نمودند، نشان از زیرکی طراحان و آینده اندیشی آنان دارد. اما برای بررسی همه آنچه در آن سالها گذشت بدلیل عدم دسترسی به اسناد و مدارک و نگاه موشکافانه بدانان، اندکی زود است. زیرا یک نگاه سردستی به سیر رویدادها و توالی آنها، همراه با هماهنگی جناح ارتجاعی نفوذ داده شده در صف مردم با ضرب آهنگ جهانی و سوار بودن بر امواج رسانه ها (مدیا) برای قیضه تام و تمام قیام، بدون دسترسی به اسناد معتبر چندان میسر نیست. زیرا بیشتر خاطره ها و یادداشتهای منتشر شده از جانب بعضی از کسانی که در این ماجرا دخیل بودند، بیشتر به توجیه اتفاقات پرداخته اند و نقش خود در آن مقطع را در هاله ای از ابهام گذاشته اند، تا پاسخ درست به سئوالات مطرح شده و گزارش درست از یک اتفاق تاریخی. بنا براین هر چند این خاطرات و یادداشتهای گوشه ای از واقعیت را همراه با دخل و تصرف به نمایش می گذارند، امکانات اندکی هستند برای بررسی واقعه ای بزرگ که در سال ۵۷ در ایران اتفاق افتاد. به همین دلیل نگارنده می پندارد که بدون دسترسی به اسناد و مدارک مراکز تصمیم گیری و تصمیم سازی در آن سالها، مشکل بتوان به یک بررسی درست از آنچه اتفاق افتاد رسید.

به چه دلیل خمینی که در عراق جاجوش کرده بود و سالیان دراز از محل دریافت وجوهات به زندگی

ای که از حوزه علمیه قم بصورت رایگان توزیع می شود آنقدر بالاست که در هر خانه ای چند تایی از آنها را می شود پیدا کرد. مدرسه حقانی در قم و کمال و علوی و... در تهران سازمانهای آموزشی موازی ای هستند که تجار محترم برای روز آینده خریشان را می دهند، تا صف خود را مردم عادی جدا نگه دارند. تاجر پوستی بنام توسلی آنقدر توانایی مالی دارد که بجز پرداخت هزینه های بخش اعظم این مراکز، در شیوه درس و گزینش اساتید نیز نظر خود را دیکته می کند. خود او از کجا و با چه توانی قادر به این همه ریخت و پاش است، باید بیشتر دقت کرد و بدنبال اسناد معتبر تر بود. چون مساجدی بزرگ با توانایی های بسیار در گوشه کنار کشور و در مراکز مذهبی استانها از محل درآمد او پا گرفته است و چنان این شبکه مافیایی چنگال خود را در سالهای دهه چهل و اوایل پنجاه گسترده است که خود حدیثی دیگر دارد و جای تاملی بسیار.

هنگامی که خمینی در پاریس سوار ایر فرانس می شود تا به تهران بیاید همه توافقات انجام شده است. او می داند که بقدرت خواهد رسید و از این امر مطمئن است به همین دلیل هم در پاسخ خبرنگار زیرک که از او می پرسد که اکنون چه احساسی دارد می گوید: هیچ!! اسباب و ابزار کار هم از قبل آماده است، شورای انقلاب سازمان داده شده برای تحویل قدرت همه راهها را باز کرده و بدون هیچ درگیری نظام شاهنشاهی همراه با شاه اسلام پناهش به گور تاریخ سپرده می شود تا استراتژی جدید امپریالیسم با توسل به ایدئولوژی اسلامی حکومتی ایدئولوژیک را در برابر کمونیسم روسی سازمان دهد و جلوی دسترسی شوروی به آبهای گرم را بگیرد. به همین دلیل تا روزهای آخر به قدرت رسیدن خمینی و دارو دسته او حزب توده از آنان حمایت نکرد و به زبان دیگر در جبهه ضد ارتجاع قرار گرفت. ولی ملایان برآمده بقدرت چنان سریع آنان را خلع سلاح کردند که در برابر شعار مرگ بر آمریکا به سرعت مجبور شدند دست و پای خود را جمع کرده و با هزار حيله خود را در صف انقلاب جا بزنند.

با توجه به همه توانمندی های این جبهه که در سرتاسر ایران توان بالایی دارد و می تواند با توسل

بقیه در صفحه ۱۴

نقش آنان را در مراکز قدرت بررسی کرد. ملاهای فرنگ دیده که همگی دروس سیاست را در معتبرترین مراکز غرب فراگرفته اند، همراه با مکالاهای دوره دیده و بسیار آموخته، در تحویل قدرت سیاسی در ایران بسیار ظریف نقش بازی کرده اند. بهشتی و دارو دسته او از یک طرف و حسن حبیبی و مکالاهای دیگر در طرف دیگر این ماجرا ایستاده اند. اگر بنی صدر این آیت اله زاده در فرانسه به انتظار روز موعود روزگار سپری میکند و سکوی پرتاب را برای خمینی آماده میکند تا از آنجا فصل پایانی معامله را بیابان برد. در آمریکا اتحادیه دانشجویان مسلمان مرکزی می شود برای کادر سازی از دانش آموختگان تا مناسب اجرایی در آینده بدانان سپرده شود. در تهران مهدیه مرکز تبلیغات علنی انجمن ضد بهایی حجتیه گوی سبقت را از هر جریان سیاسی فرهنگی روده است و نوارهای روضه های آنچنانی و مهیج شخصی بنام "کافی" که در مهدیه تولید می شود در بین مردم عادی دست بدست می شود. حسینیه ارشاد با کمک دولت و حکومت بخش روشنفکری و ترقیخواه را به چالش می خواند و علی شریعی بعنوان روشنفکر مذهبی به کار شبانه روزی در آن مشغول است. بازرگان و همپالکی هایشان مبلغ تفکری هستند تا در آینده ای نه چندان دور بر سریر قدرت تکیه زنند. هر کوی و برزن نشانی دارد از هیئت های متوسلین به ائمه اطهار و از جانب حکومتی که شاهنشاه آن خود نظر کرده امامان است، نه تنها مورد تشویق قرار می گیرد بلکه خود درباریان برای رقابت با آنان شعبان جعفری و دیگر اوباشان حکومتی را به میدان می فرستند تا در مراسم های مختلف مذهبی همچون عاشورا و نیمه شعبان خودی بنمایند و از آنان عقب نمانند و ارادت شاهنشاه اسلام پناه را گوش زد کنند. خانواده ها و افراد منتسب به دربار و بالا شهری های مرفه هم در حالی که تعطیلات خود را در آمریکا و اروپا می گذرانند و در تهران از امکانات فراوان جامعه جدید برخوردارند، در روزهای مذهبی جامه سیاه به بر میکنند و با دادن ولیمه و راه انداختن دسته های سینه زنی و گاهی هم با دعوت از همپالکی های خود سفره حضرت فلان و بهمان می گسترانند. علامت عزاداری شعبان و طیب مظهر قدرت دسته های اوباش است و لمپنیزم پا گرفته و پرورش یافته، و در این مراکز سازماندهی شده و برای اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد. تیراژ نشریات مذهبی